گزارش یک

مهسا گربندی

کلید مدارس در جیب دیگران!

۶۰۰ ملک آموزش‌وپرورش در اختیار دیگران است، درحالی‌که مدارس با کمبود فضا دست‌وپنجه نرم می‌کنند

برای ساخت مدرسه دنبال زمین می‌گردیم، برای جبران کمبود فضای آموزشی اعتبار می‌خواهیم، کلاس‌های درس را فشرده‌تر می‌کنیم و گاهی دانش‌آموزان را در کلاس‌هایی جا می‌دهیم که گنجایش این تعداد دانش‌آموز را ندارند! اما درست در همین شرایط، صدها ملک متعلق به آموزش‌وپرورش در اختیار دستگاه‌ها و نهادهای دیگر است! انگار آموزش‌وپرورش برای ساختن فضای آموزشی باید از صفر شروع کند، حتی وقتی بخشی از دارایی‌های خودش هنوز در اختیار دیگران است.



ماجرا وقتی عجیب‌تر می‌شود که بدانیم صحبت از چند ساختمان پراکنده نیست. به گفته مدیر گروه آموزش‌وپرورش مرکز پژوهش‌های مجلس، نزدیک به ۶۰۰ ساختمان در سراسر کشور شناسایی شده که در اختیار دستگاه‌های مختلف قرار دارند. املاکی که می‌توانند بخشی از ظرفیت مغفول برای توسعه زیرساخت‌های آموزشی باشند، اما هنوز سرنوشتشان روشن نیست.

درست است که نمی‌توان همه این ساختمان‌ها را یک‌راست به مدرسه تبدیل کرد، اما نمی‌شود از کنار ظرفیت آنها هم به‌سادگی گذشت. شاید بعضی از این املاک برای ساخت مدرسه مناسب باشند، بعضی دیگر امکان تغییر کاربری داشته باشند و برخی هم بتوانند به شکل دیگری در خدمت نظام آموزشی قرار بگیرند. مسئله اینجاست که تا وقتی وضعیت هر ملک مشخص نباشد، نمی‌توان فهمید چه فرصتی از آموزش‌وپرورش گرفته شده است.

■ حق آموزش و پرورش خوردن ندارد

محمدصادق عبداللهی، مدیر گروه آموزش‌وپرورش مرکز پژوهش‌های مجلس، با انتقاد از بلاتکلیفی املاک متعلق به این وزارتخانه نوشت: «یکی از احکام مهم و مغفول برنامه هفتم پیشرفت، بند «ذ» ماده ۸۹ است که براساس آن، دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی مستقر در فضاهای متعلق به آموزش‌وپرورش مکلف بوده‌اند تا پایان سال دوم برنامه، این ساختمان‌ها را تخلیه و به وزارت آموزش‌وپرورش و دانشگاه فرهنگیان تحویل دهند. در صورتی هم که امکان تخلیه وجود نداشته باشد، باید با رعایت شرایط قانونی، ملک دیگری با ارزش کارشناسی معادل به آموزش‌وپرورش واگذار شود.

قانون‌گذار حتی برای اجرا نشدن این حکم نیز راهکار پیش‌بینی کرده است، به این صورت که در صورت عدم اجرای آن در ابتدای سال سوم برنامه، سازمان برنامه‌وبودجه موظف است ارزش روز املاک تصرف‌شده را از اعتبارات دستگاه یا نهاد متصرف کسر و به اعتبارات مربوط به توسعه و تکمیل فضاهای آموزشی و پرورشی اضافه کند. به بیان روشن، قانون تکلیف کرده که یا ساختمان‌های آموزش‌وپرورش بازگردانده شوند یا ارزش آنها به این وزارتخانه پرداخت شود. در مرکز پژوهش‌های مجلس برای شناسایی این املاک تلاش‌هایی انجام داده‌ایم و تاکنون شناسایی نزدیک به ۶۰۰ ساختمان متعلق به آموزش‌وپرورش در سراسر کشور برایمان روشن شده است که در اختیار دستگاه‌ها و نهادهای مختلفی از جمله دانشگاه آزاد، دانشگاه پیام‌نور، بانک‌ها و فرمانداری‌ها قرار دارند. برخی از این املاک عرصه‌هایی با مساحت بیش از ۱۵ هزار متر مربع دارند.

اکنون که وارد سال سوم اجرای برنامه هفتم شده‌ایم، انتظار داریم رئیس‌جمهور و سازمان برنامه‌وبودجه برای اجرای این حکم قانونی جدی‌تر وارد عمل شوند و اجازه ندهند این ظرفیت مهم برای توسعه زیرساخت‌های آموزشی از دست برود. قرار است گزارش کامل اجرای این ماده را منتشر و پیگیری کنیم تا این دارایی‌ها به نفع آموزش‌وپرورش و دانش‌آموزان تعیین تکلیف شوند.»

■ املاک آموزش‌وپرورش چگونه بازمی‌گردند؟

ماجرای املاک آموزش‌وپرورش به ساختمان‌هایی که در اختیار دستگاه‌های دیگر قرار گرفته‌اند، محدود نمی‌شود. در تهران نیز تعیین تکلیف مالکیت بخشی از فضاهای آموزشی سال‌ها به طول انجامیده است. مجید پارسا، مدیرکل آموزش‌وپرورش شهر تهران، هشتم آبان ۱۴۰۵ از تعیین تکلیف مالکیت ۱۷۶ مدرسه معروف به «کاشی‌آبی» خبر داد، مدارسی که مسئله اصلی آنها تثبیت مالکیت و انتقال اسناد به آموزش‌وپرورش بوده است.

از سوی دیگر، ماه گذشته، در گرمسار نیز رئیس دادگستری این شهرستان از بازگشت حدود ۲۰ هزار و ۵۰۰ متر مربع از منازل سازمانی و اماکن متعلق به آموزش‌وپرورش، در قالب ۲۴ واحد، با ورود دستگاه قضایی خبر داده است. وقتی آموزش‌وپرورش برای تأمین زمین و ساخت مدرسه با محدودیت روبه‌روست، نمی‌توان از کنار دارایی‌هایی که سال‌هاست در اختیار دیگران مانده‌اند به‌سادگی عبور کرد. بازگشت ۲۴ ملک در گرمسار و تعیین تکلیف مالکیت ۱۷۶ مدرسه در تهران نشان می‌دهد گره این پرونده‌ها بازشدنی است، مسئله اینجاست که چرا هنوز سرنوشت صدها ملک دیگر در انتظار پیگیری و اقدام دستگاه‌های مسئول مانده است؟!

■ املاکی به چرخه خدمت بازنگشت!

پرواضح است که بازگشت این املاک قرار نیست یک‌شبه تمام مشکل کمبود فضای آموزشی را حل کند. اما مگر می‌شود در شرایطی که ساخت هر مدرسه به زمان و هزینه قابل توجهی نیاز دارد، از ظرفیت املاکی که متعلق به آموزش‌وپرورش هستند به‌سادگی عبور کرد؟ بدون شک نه!

حالا دیگر توپ در زمین دستگاه‌های مسئول قرار دارد. آموزش‌وپرورش باید از وضعیت پیگیری‌ها و املاک بازگشته گزارش بدهد و سازمان برنامه‌وبودجه نیز روشن کند که ضمانت اجرای قانون تا چه مرحله‌ای پیش رفته است، چراکه اگر قرار باشد قانون برای بازگرداندن دارایی‌های آموزش‌وپرورش مهلت تعیین کند، اما بعد از پایان مهلت همچنان معلوم نباشد چه اتفاقی افتاده، این پرسش بی‌پاسخ می‌ماند که تکلیف این همه ملک و ظرفیتی که می‌توانست در خدمت مدرسه و دانش‌آموز باشد، چه شده و چرا آقایان مسئول در قبال آن سکوت کرده‌اند؟

بی‌تردید آموزش‌وپرورش، به فضای آموزشی نیاز مبرمی دارد، اما پیش از آنکه دوباره فهرست کمبودها را روی میز بگذارد، باید تکلیف دارایی‌هایی روشن شود که از گذشته در اختیار داشته و هنوز به چرخه خدمت بازنگشتند.

خبر

۲۵ سال دیگر از هر ۳ ایرانی یک نفر سالمند می‌شود

رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور هشدار داد تا سال ۱۴۳۰، در صورت تداوم روند فعلی جمعیت، حدود ۳۳ درصد ایرانیان سالمند خواهند بود.

مجید فولادیان، رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور با اشاره به روند شتابان سالمندی جمعیت در ایران و ضرورت آمادگی برای مواجهه با این تحول جمعیتی اظهار کرد: همان‌طور که اشاره شد، اگر نرخ رشد جمعیت و جایگزینی جمعیت کشور در همین سطح فعلی باقی بماند، تا سال ۱۴۳۰ حدود ۳۳ درصد جمعیت ایران را سالمندان تشکیل خواهند داد و کشور یکی از سریع‌ترین روندهای رشد سالمندی در جهان را تجربه خواهد کرد.

وی برای تشریح سرعت سالمند شدن جمعیت ایران به مقایسه این روند با کشور فرانسه پرداخت و افزود: در فرانسه حدود ۱۲۰ سال طول کشید تا سهم جمعیت سالمند از ۱۰ درصد به ۲۰ درصد برسد، در حالی که در ایران طی حدود ۲۵ سال، سهم جمعیت سالمند از حدود ۱۳ درصد به حدود ۳۳ درصد خواهد رسید. رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور تأکید کرد: اگر نگوییم ایران سریع‌ترین روند سالمند شدن جمعیت را تجربه می‌کند، قطعاً یکی از سریع‌ترین روندهای سالخورده شدن جمعیت در جهان را پیش رو دارد.

فولادیان با بیان اینکه آمادگی برای مواجهه با چنین تحولی نیازمند برنامه‌ریزی جدی است، تصریح کرد: برای اینکه بتوانیم برای چنین ابربحرانی آماده باشیم، لازم است تمهیدات ویژه و جدی در نظر گرفته شود و از هم‌اکنون درباره آن برنامه‌ریزی و اندیشه شود.

وی در ادامه با اشاره به تغییرات پیش‌بینی‌شده در ساختار جمعیتی کشور گفت: تا سال ۱۴۱۸، میزان موالید و نرخ سالمندی با یکدیگر برابر می‌شوند و از سال ۱۴۱۸ به بعد، میزان سالمندی و سالمند شدن جمعیت از میزان تولدها بیشتر خواهد شد.

وی افزود: از حدود سال ۱۴۲۲ نیز تعداد جوانان و سالمندان کشور با یکدیگر برابر می‌شود و از آن سال به بعد، تعداد سالمندان بر جمعیت جوان کشور غلبه خواهد کرد.

رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور با اشاره به پیامدهای این تغییر ساختار جمعیتی اظهار کرد: در چنین شرایطی پنجره جمعیتی کشور بسته می‌شود. این پنجره که به‌ویژه با توجه به جمعیت متولدین دهه ۶۰ و شرایط جمعیتی دهه ۸۰ باز شده بود، فرصتی تاریخی برای توسعه کشور محسوب می‌شد.

فولادیان خاطرنشان کرد: با ادامه روند فعلی، این فرصت تاریخی تقریباً از دست خواهد رفت و پنجره جمعیتی ایران حدود سال‌های ۱۴۲۰ تا ۱۴۲۲ بسته خواهد شد.

گزارش ۲

زهرا چیذری

رشد ۶ برابری اعتبارات قانون حمایت از معلولان

رئیس سازمان بهزیستی: در سطح کشور ۴۴ خانواده داریم که ۵ عضو معلول و بیشتر دارند که وزیر راه و شهرسازی برای این افراد مسکن تهیه کرده‌اند و به آنها اهدا خواهد شد

هرچند اعتبارات قانون حمایت از حقوق معلولان حدود ۵۲۲ درصد، معادل ۲,۶ برابر، افزایش پیدا کرده، اما با عنایت به تورم و افزایش هزینه‌ها، این رشد شش برابری اعتبارات هم کفاف نیازها و مطالبات جامعه هدف سازمان بهزیستی را ندارد. بر این اساس، سازمان بهزیستی رویکرد تازه‌ای را در پیش گرفته و برای توانمندسازی و اشتغال پایدار معلولان برنامه‌ریزی کرده است.

بیش از ۷ میلیون نفر، معادل ۹ درصد خانوارهای کشور تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند. جمعیتی که با عنایت به حوادث متعدد طبیعی و جنگ‌های تحمیلی اخیر رو به افزایش است. به همین خاطر هم سازمان بهزیستی برای مدیریت هزینه‌هایش برنامه‌هایی دارد که سیدجواد حسینی، رئیس این سازمان در نشست خبری هفته معلولان درباره‌اش توضیح داد.

■ فاصله اعتبارات بهزیستی با انتظارات جامعه هدف

رئیس سازمان بهزیستی کشور با اشاره به اعتبارات قانون حمایت از حقوق معلولان اظهار کرد: «زمانی که مسئولیت را تحویل گرفتیم، اعتبارات این قانون ۱۳ همت بود که خوشبختانه اکنون به ۸۲ همت رسیده است. اما میزان نیازها در این حوزه بسیار بیشتر از اعتبارات موجود است. اعتبارات قانون حمایت از حقوق معلولان حدود ۵۲۲ درصد، معادل ۲,۶ برابر، افزایش پیدا کرده است. جامعه هدف ما همواره مطالبات به‌حقی دارد. آنها می‌گویند اعتبارات را افزایش داده‌اید، اما از یک‌سو نرخ تورم بالا رفته و از سوی دیگر، میان اعتبارات موجود و آنچه باید محقق شود، فاصله زیادی وجود دارد.»

بنا بر تأکید وی، در سال ۱۴۰۰، ۶۲,۳ درصد از اعتبارات مورد نیاز محقق شده است. در سال ۱۴۰۵ نزدیک ۲۴ درصد محقق شده است، یعنی تقریباً هفت برابر تغییر کرده است. البته جامعه هدف می‌گوید این رقم با ۱۰۰ درصد فاصله زیادی دارد و این حرف درستی است. رئیس سازمان بهزیستی کشور با اشاره به فعالیت مراکز شبانه‌روزی و روزانه سازمان بهزیستی گفت: «یکی از موضوعات مهم فعالیت نزدیک به ۳۵۰۰ مرکز شبانه‌روزی و روزانه است که وظیفه ارائه خدمات کیفی و مطلوب به افراد دارای معلولیت در طیف‌های مختلف را برعهده دارند. هر چقدر بتوانیم سهم بیشتری از قیمت تمام‌شده این مراکز را پرداخت کنیم و فاصله میان قیمت تمام‌شده خدمات و مبلغی را که پرداخت می‌کنیم کاهش دهیم، گویی به افرادی که در این مراکز حضور دارند، خدمات ارائه کرده‌ایم.»

حسینی با اشاره به اینکه طی دو سال، یارانه مراکز شبانه‌روزی و روزانه ۴,۷۷ درصد افزایش پیدا کرده که این افزایش گامی رو به جلو محسوب می‌شود، اما همچنان باید حرکت خود را در این زمینه ادامه دهیم، بر ضرورت توسعه مشارکت‌ها به‌عنوان یکی از راهکارهای ارتقای کیفیت و فراگیری خدمات سازمان بهزیستی پرداخت و گفت: «به‌طور کلی، با توسعه زیرساخت‌های نوین از جمله راه‌اندازی سامانه نیک، ایجاد درگاه مشارکت مردمی و مسئولیت اجتماعی در استان‌ها که ۱۲۰ درصد رشد داشته، تولید بسته‌هایی برای هدایت افراد خیر و کمک‌کنندگان به سمت حوزه‌های مشخص و همچنین جریان‌سازی، رویدادمحوری و توسعه شبکه داوطلبان، اقدامات گسترده‌ای انجام داده‌ایم، به طوری که در سال ۱۴۰۴، نسبت به سال ۱۴۰۳، ۵۱ درصد رشد مشارکت داشته‌ایم. همچنین در شش‌ماهه نخست سال، ۸۱ درصد رشد ثبت شده و در مجموع دولت نسبت به دوره گذشته، مشارکت‌ها ۱۷۴ درصد افزایش پیدا کرده است.»

■ تدوین سند اشتغال سالمندی

حسینی در ادامه با اشاره به چرخش چهارم تحول‌آفرین سازمان بهزیستی، از سالمندی مخاطره‌آمیز به سالمندی سالم و سعادتمندانه، اظهار کرد: «اکنون ۱۹ شهر کشور در قالب شهرهای دوستدار سالمند فعالیت می‌کنند، ۵۱ هزار زن سالمند تنها در طرح توانمندسازی قرار گرفته‌اند، ۹۰۰ پاتوق سالمندی و مراکز مهر و گفت‌وگو شکل گرفته است و در حوزه اقتصاد نقره‌ای، نقشه جامع اقتصاد نقره‌ای را در ۱۴ جلد و در ۱۴ قلمرو، همزمان با روز جهانی سالمندان رونمایی کردیم. اکنون در حال تدوین سند اشتغال سالمندی هستیم تا آن را نیز رونمایی کنیم.» به گفته وی، سال گذشته، ۱۳ هزار نفر از سالمندان به اشتغال نقره‌ای دست یافتند.



رضا دهشیری | جوان

■ توسعه آموزش و مهارت‌آموزی

حسینی در ادامه سخنان خود با تشریح رویکرد سازمان بهزیستی در حوزه اشتغال و توانمندسازی جامعه هدف اظهار کرد: «باید آموزش را توسعه و مهارت‌آموزی را افزایش دهیم، اشتغال و به‌ویژه اشتغال پایدار را رقم بزنیم، برای تولیدات و محصولات این عزیزان امکان توزیع فراهم و بازار مناسبی برای آنها پیدا کنیم و در ادامه نیز نظارت و پشتیبانی لازم را انجام دهیم. در واقع، این یک چرخه است که اگر به‌درستی محقق شود، می‌توانیم از یارانه‌پردازی به سمت توانمندسازی و فرصت‌آفرینی حرکت کنیم. بنابراین نقطه اصلی و محصول این رویکرد، رسیدن افراد به اشتغال پایدار است.» رئیس سازمان بهزیستی کشور با اشاره به اشتغال ایجادشده در سه حوزه کسب‌وکار، اشتغال افراد دارای معلولیت و جامعه هدف سازمان گفت: «طی دو سال اخیر ۱۳۰ هزار فرصت شغلی ایجاد کرده‌ایم؛ میزان اشتغال ایجادشده، ۶۵ درصد بیشتر از کل تاریخ سازمان بهزیستی است.»

وی با تأکید بر اهمیت پایدارسازی اشتغال اظهار کرد: «بخشی از مشاغل ایجادشده با هدف پایدارسازی اشتغال، به‌صورت گروهی طراحی شده‌اند. مطالعات نشان می‌دهد مشاغل فردی، به‌ویژه زمانی که با راهنمایی شغلی همراه نباشد، ماندگاری کمتری دارند. به همین دلیل تلاش کردیم افراد را به سمت مشاغل تعاونی، شرکتی، تجمیعی و گروهی هدایت کنیم تا ماندگاری شغل افزایش پیدا کند. بخشی از برنامه اشتغال ما این است که از کارگاه‌ها و شرکت‌های فعال که افراد دارای معلولیت را استخدام می‌کنند، حمایت کنیم، به طوری که در این زمینه، حداقل ۱۸ درصد و حداکثر ۵۰ درصد حقوق و دستمزد این افراد را پرداخت می‌کنیم تا از این طریق، زمینه هدایت و انتخاب مسیر مناسب و پایدارسازی اشتغال فراهم شود. همچنین در این مسیر، سنجش علاقه، ارزیابی شخصیت و سنجش استعداد و رغبت شغلی را انجام می‌دهیم. همچنین برای تقویت آمادگی‌ها و توانمندی‌های افراد، آمادگی روانی، اجتماعی و اقتصادی آنها را بررسی و اهلیت‌سنجی می‌کنیم و آموزش‌های لازم را ارائه می‌دهیم تا بتوانند به‌درستی وارد اشتغال شوند.»

رئیس سازمان بهزیستی کشور ادامه داد: «ترویج و فرهنگ‌سازی در زمینه آموزش‌ها و مشاغل بهینه که به پایداری اشتغال منجر شوند، از جمله اهدافی است که در حال پیگیری آنها هستیم.»

■ ۴۴ خانواده دارای ۵ عضو معلول

ماجرای اهدای خانه به خانواده‌های دارای پنج عضو معلول که یکی از پربحث‌ترین اخبار این روزهای فضای مجازی، در نشست خبری رئیس سازمان بهزیستی مورد پرسش قرار گرفت.

حسینی با بیان اینکه سال گذشته با همکاری بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، موضوع تأمین مسکن خانواده‌های دو معلول و بالاتر را پیگیری کردیم و از میان این خانوارها، حدود ۸ هزار نفر فاقد مسکن هستند، گفت: «برای خانواده‌های دارای دو عضو معلول و بیشتر تفاهم‌نامه‌ای منعقد کرده‌ایم تا طی دو سال، این افراد صاحب مسکن شوند. همچنین در مجموع، طی دو سال گذشته ۲۵ هزار واحد مسکونی ایجاد کرده‌ایم.» وی با اشاره به برنامه سازمان بهزیستی برای خانواده‌های دارای پنج عضو معلول و بیشتر اظهار کرد: «در مجموع، در سطح کشور ۴۴ خانواده داریم که پنج عضو معلول و بیشتر دارند. برای ۴۴ خانواده این افراد، وزیر راه و شهرسازی، مسکن تهیه کرده که در روز مربوط به افراد دارای معلولیت اهدا خواهد شد.»

یادداشت

محمدرضا هادیلو

بقای نهال‌ها ضامن نجات جنگل‌ها

جنگل‌های ایران دهه‌هاست که زیر بار سنگین خشکسالی‌های فرساینده، آتش‌سوزی‌های مکرر فصلی، قاچاق سازمان‌یافته چوب، چرای مفرط دام و توسعه شتاب‌زده عمرانی نفس‌های آخر را می‌کشند. از نوار سبز خزری و تنوع زیستی شکننده هیرکانی گرفته تا پهنه استراتژیک زاگرس و پوشش‌های تنک ارسباران، تورانی و خلیج‌فارسی، زوال اکولوژیک به مرحله‌ای بحرانی رسیده است. افت چشمگیر توان باززایی طبیعی و گسست در ترکیب اشکوب‌های جنگلی نشان می‌دهد طبیعت دیگر به‌تنهایی توان ترمیم زخم‌های خود را ندارد. در چنین وضعیتی، احیای عرصه‌های منابع طبیعی یک شعار تزئینی یا وظیفه اداری محدود نیست، بلکه مستقیماً با امنیت ملی آب، حفاظت از ذخایر ژنتیکی خاک و مهار ریزگردهای خانمان‌برانداز پیوند خورده است. از دست رفتن هر هکتار از ریه‌های سبز کشور، فرونشست زمین، مهاجرت‌های زیست‌محیطی و ناپایداری اقلیمی را تشدید می‌کند و بازگرداندن این تعادل گسسته به تلاشی فراگیر و ملی نیاز دارد.

در مواجهه با این چالش حیاتی، طرح مردمی کاشت یک میلیارد درخت به‌عنوان گسترده‌ترین پروژه زیست‌محیطی کشور تعریف شده است. پروژه‌ای که به‌درستی هدف خود را افزایش ضرب‌الاجلی پوشش گیاهی و بسیج سراسری برای مقابله با بحران‌های اقلیمی قرار داده است. با این حال، درس‌آموخته‌های دهه‌ها آزمون و خطا در پروژه‌های نهال‌کاری گوشزد می‌کند که افتادن در تله آمارگرایی و مسابقه ارقام، مهلک‌ترین آسیب برای چنین اقدامات کلانی به‌شمار می‌رود. حقیقت انکارناپذیر حوزه منابع طبیعی این است که کاشت یک نهال در خاک تنها بخش ساده، آغازین و نمایشی ماجرا است و وزن واقعی پروژه در مراقبت چندساله، آبیاری در فصول بحرانی و تضمین بقای زیستی آن تا مرحله استقرار ریشه نهفته است. اگر میلیون‌ها اصله نهال به بیابان‌ها و جنگل‌ها سپرده شوند، اما برنامه مدونی برای حفاظت، نگهداری و پایش بقای آنها وجود نداشته باشد، کل این ابرپروژه به هدررفت منابع و ایجاد گورستانی از چوب‌های خشک تبدیل خواهد شد.

رمز موفقیت این حرکت ملی در تمامی استان‌ها، انطباق وسواس‌گونه کاشت با اکولوژی، اقلیم، منابع آب و میزان رطوبت هر منطقه است. نمی‌توان از شمال مرطوب تا کویرهای مرکزی و پهنه‌های گرمسیری جنوب، نسخه‌ای یکسان پیچید و از گونه‌های غیربومی یا آب‌بر استفاده کرد.

پایداری بوم‌شناختی حکم می‌کند که احیای هر استان منحصراً با اتکا به گونه‌های بومی، مقاوم به تنش‌های آبی و سازگار با خاک همان منطقه اجرا شود. همچنین هم‌راستایی زمان کاشت با تقویم بارش‌های فصلی، پیش‌بینی سفره‌های آبی پایدار و مشارکت دادن واقعی جوامع محلی و تشکل‌ها در قالب منفعت مشترک اکولوژیک، تنها راه تبدیل نهال‌های شکننده به جنگل‌های استوار فرداست. تمام دستگاه‌های اجرایی، استانداری‌ها و نهادهای عمومی در تک‌تک استان‌های کشور باید به این باور برسند که سهمیه تعیین‌شده صرفاً یک وظیفه آماری نیست، بلکه تعهدی مستقیم به حفظ خاک وطن است.

به‌عنوان نمونه‌ای ملموس از این ضرورت کشوری، می‌توان به وضعیت کهگیلویه و بویراحمد در قلب رشته‌کوه زاگرس نگاه کرد. استانی که با جنگل‌های دیرپای بلوط پیوند خورده و امروز با سهمیه کاشت ۱۵ میلیون نهال به این پویش پیوسته است. زاگرس که نقشی بنیادین در تأمین منابع آب شیرین و مهار فرسایش خاک ایفا می‌کند، سال‌هاست با پدیده زوال بلوط و توقف زادآوری طبیعی دست‌وپنجه نرم می‌کند. تحقق موفق این برنامه در این استان مستلزم آن است که گونه‌های بومی نظیر بلوط ایرانی، بنه، بادام کوهی، ارژن و زالزالک دقیقاً در رویشگاه‌های متناسب با ارتفاع و رطوبت قرار گیرند و خط قرمز اصلی، پرهیز از کاشت گونه‌های نامتجانس باشد.

تجربه کهگیلویه و بویراحمد نشان می‌دهد که هم‌افزایی ظرفیت‌های محلی، سازماندهی گروه‌های مردمی و پیگیری زنجیره «کاشت تا نگهداری» تا چه اندازه حیاتی است. این استان الگویی آشکار برای سراسر پهنه جغرافیایی ایران است تا نشان دهد نجات جنگل‌ها از زاگرس تا البرز و از کویر تا دریا، جز با نگاه کارشناسی، وفاداری به بوم‌شناسی و حس مسئولیت همگانی برای حفاظت مستمر میسر نخواهد شد.

برای آنکه طرح ملی کاشت یک میلیارد درخت به نتیجه‌ای پایدار برسد، لازم است مسئولیت هر نهال از همان روز کاشت تا سال‌های بعد روشن باشد. تعیین متولی مشخص برای هر عرصه، ثبت موقعیت نهال‌ها و ارزیابی منظم وضعیت آنها می‌تواند از رها شدن طرح پس از پایان پویش‌ها جلوگیری کند. گزارش این ارزیابی‌ها نیز باید به‌صورت عمومی منتشر شود تا مشخص باشد کدام روش‌ها موفق بوده‌اند و کدام بخش‌ها به اصلاح نیاز دارند. این شفافیت، اعتماد عمومی را تقویت می‌کند و به مدیران کمک می‌کند تصمیم‌های بعدی را بر پایه تجربه میدانی بگیرند.

در کنار برنامه‌ریزی فنی، پیشگیری از آسیب‌هایی که پیش‌تر پوشش گیاهی را کاهش داده‌اند، ضروری است. کنترل چرای دام در عرصه‌های حساس، مدیریت آتش‌سوزی، جلوگیری از تغییر کاربری و برخورد با تخریب غیرمجاز باید همزمان با نهال‌کاری دنبال شود. در غیر این صورت، نهال‌های تازه کاشته‌شده در برابر همان فشارهایی قرار می‌گیرند که جنگل‌های موجود را تضعیف کرده‌اند. حفاظت از جنگل باقی‌مانده، گاه از کاشت در عرصه‌ای تازه اثرگذارتر است. بنابراین اولویت‌بندی باید با شناخت دقیق نیاز هر منطقه انجام گیرد.

مشارکت مردم نیز نباید به حضور در یک روز نمادین محدود بماند. مدارس، تشکل‌های محلی، بهره‌برداران و گروه‌های داوطلب می‌توانند در آموزش، مراقبت و گزارش خطرهای محیطی نقش مؤثری داشته باشند؛ به شرط آنکه این مشارکت سازمان‌یافته، مستمر و همراه با پشتیبانی کارشناسی باشد. پیوند دانش بومی با یافته‌های علمی، راهکارهایی متناسب با ویژگی‌های هر منطقه فراهم می‌کند. سرانجام، معیار موفقیت این حرکت باید تغییر محسوس در سلامت زیست‌بوم‌ها باشد؛ خاکی پایدارتر، رویشگاهی برخوردار از تنوع بومی و درختانی که توانسته‌اند در سرزمین خود ریشه بدوانند و بمانند.

برای سنجش دستاورد این طرح، در کنار آمار تولید و کاشت نهال باید گزارش‌های دوره‌ای و شفاف از میزان بقای نهال‌ها باید در دسترس قرار گیرد. هر عرصه نیازمند شناسنامه‌ای روشن است که گونه کاشته‌شده، زمان کاشت، وضعیت آب، مسئول نگهداری و نتیجه پایش سالانه را مشخص کند. چنین سازوکاری امکان می‌دهد نقاط ضعف به‌موقع شناسایی و تجربه‌های موفق در استان‌های دیگر تکرار شوند. آموزش بهره‌برداران محلی، کشاورزان، دامداران و دانش‌آموزان نیز باید بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه باشد، زیرا حفاظت از نهال، بدون همراهی مردمی که هر روز در کنار آن زندگی می‌کنند، دوام نمی‌آورد. همچنین لازم است اعتبارات نگهداری از ابتدا پیش‌بینی شود تا مسئولیت پس از پایان مراسم کاشت بر زمین نماند.

یک میلیارد درخت زمانی به سرمایه‌ای ماندگار برای کشور تبدیل می‌شود که هر نهال، از انتخاب گونه تا استقرار در طبیعت، زیر چتر دانش، تعهد و مراقبت پیوسته قرار گیرد، زیرا هدف نهایی بازگشت جنگل‌های زنده و توانمند به سرزمین ایران است.